

The main elements emphasized by Seyyed Jamaluddin Waez Esfahani in Al-Jamal newspaper

Mehdi. Zamani^{1*}

1. Mehdi zamani, PhD student of history, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran.

Email: mehdizamani12@gmail.com

Received: 29.09.2022

Acceptance: 05.12.2022

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: 2821-1294

<http://spsich.iranmehr.ac.ir>

Vol. 1, No 4, Pp: 88-113
Winter 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Zamani, M. (2023). The main elements emphasized by Seyyed Jamaluddin Waez Esfahani in Al-Jamal newspaper, *spsich*, 1(4): 88-113.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

Seyyed Jamaluddin Waez Esfahani is one of the intellectuals of the constitutional period, who expressed a special and unique reading in order to determine the political and social direction of the newly established constitutional system. Most of his positions in this regard have been published in Al-Jamal newspaper. Therefore, this article examines the content and main components of his speech in the mentioned newspaper in order to determine the main elements emphasized by him. Therefore, the main problem of the research is, what were the main components of Seyyed Jamaluddin's discourse and how were these components explained? According to the findings of this research, returning to authentic Islam, preserving the constitutional system, establishing freedom and realizing justice have been the most important components of Isfahani's attention. Understanding the complicated situation and the troubles and sufferings of his time, he proposed the necessity of returning to the teachings of the Quran and authentic Islam as a solution. This return has been through the lens of modernity. In other words, with a positive view on the developments of the modern period of the West, Sayyid established a link between the authentic Islamic teachings and the forms of modernity and interpreted the Quranic and religious teachings through the concepts and forms of modernity. In this way, religious and political tyranny was rejected and the constitutional system was accepted as a desirable western element; He spoke about freedom as the highest blessing that God has created for mankind and introduced the realization of justice and equality as the necessary introduction and the beginning of the country's prosperity. This reading of Seyed Jamaluddin is influenced by the requirements of the time and the actions that took place during that period. The intensification of political tensions and the alignment of supporters and opponents of the constitution, the debates of legitimacy and constitutionalism are among the actions to which Seyyed Jamaluddin's positions and opinions have been a reaction or a response to them.

Keywords: *Seyyed Jamaluddin Vaez Esfahani, constitutionalism, authentic Islam, freedom, justice.*

عناصر اصلی مورد تأکید سید جمال الدین واعظ اصفهانی در روزنامه الجمال

مهدی زمانی*

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۷ | پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴ | ایمیل نویسنده مسئول: mehdizamani12@gmail.com

چکیده

سید جمال الدین واعظ اصفهانی از روشنفکران دوره مشروطه است که در راستای تعیین جهت گیری سیاسی و اجتماعی نظام تازه تأسیس مشروطه خوانش خاص و منحصر به فردی را بیان داشته است. عمده مواضعش در این خصوص در روزنامه الجمال منتشر شده است؛ لذا این مقاله به بررسی محتوا و مؤلفه های اصلی گفتمان او در روزنامه مذکور می پردازد تا مشخص شود عناصر اصلی مورد تأکید وی کدامند. از این رو مسئله اصلی تحقیق این است که مؤلفه های اصلی گفتمان سید جمال الدین چه بوده و این مؤلفه ها چگونه تبیین شده است؟ بر اساس یافته های این تحقیق، بازگشت به اسلام اصیل، حفظ نظام مشروطه، برقراری آزادی و تحقق عدالت مهم ترین مؤلفه های مورد توجه اصفهانی بوده است. او با درک وضعیت بغرنج و گرفتاری ها و مصائب زمانه خود، ضرورت بازگشت به آموزه های قرآنی و اسلام اصیل را به عنوان راهکار عبور طرح کرد. این بازگشت از دریچه مدرنیته بوده است. به عبارتی سید با نگاه مثبت به تحولات دوره مدرن غرب، میان آموزه های اصیل اسلامی و صور مدرنیته پیوند برقرار کرده و از خلال مفاهیم و صور مدرنیته به تفسیر آموزه های قرآنی و دینی پرداخته است. از همین رهگذر، استبداد دینی و سیاسی نفی و نظام مشروطه به عنوان یک عنصر مطلوب غربی پذیرفته شد؛ از آزادی به عنوان والاترین نعمتی که خدا برای بشر خلق کرده است، سخن گفته و تحقق عدالت و برابری را به عنوان مقدمه لازم و سرآغاز آبادی کشور معرفی کرده است. این خوانش سید جمال الدین متأثر از اقتضات زمانه و کنش های رخ داده در آن دوره است. تشدید تنش های سیاسی و صف آرای موافقان و مخالفان مشروطه، نزاع های گفتمانی مشروعه خواهی و مشروطه خواهی از جمله کنش هایی هستند که مواضع و آراء سید جمال الدین به مثابه واکنش یا پاسخی به آن ها بوده است.

کلیدواژه ها: سید جمال الدین واعظ اصفهانی، مشروطه، اسلام اصیل،

زادی، عدالت.

فصلنامه علمی

مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۲۸۲۱-۱۲۹۴
<http://spsich.iranmehr.ac.ir>
دوره ۱ | شماره ۴ | صص ۸۸-۱۱۳
زمستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(زمانی، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

زمانی، مهدی. (۱۴۰۱). عناصر اصلی مورد تأکید سید جمال الدین واعظ اصفهانی در روزنامه الجمال. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۱(۴): ۸۸-۱۱۳.

مقدمه و بیان مسئله

سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی سیاستمدار و ناطق مشهور دوره مشروطه بوده است. او مقارن با جنبش مشروطه خواهی با آن همراهی کرد و به نوشتن و ایراد سخنرانی‌های بسیار مهمی با محوریت نقد وضع موجود جامعه پرداخت. بعد از برقراری نظام مشروطه، این همراهی بیشتر شد. در این برهه او در دفاع از نظام تازه استقرار یافته‌ی مشروطه و تبیین مؤلفه‌های آن از طریق وعظ و سخنرانی کوشش بسیاری داشت. علاوه بر این، اصفهانی همچون برخی دیگر از مشروطه خواهان که به باورهای انقلابی حوزه قفقاز دلبستگی داشتند، به شعبه تهران فرقه اجتماعیون عامیون پیوست که مروج اندیشه‌های سوسیالیستی در ایران بود. با مرگ مظفر الدین شاه و آغاز پادشاهی محمدعلی میرزا، کشمکش مجلس و دولت نظم سیاسی موجود را با چالش جدی روبرو و به تبع اوضاع اقتصادی نیز متأثر از این کشمکش‌ها بحرانی شد. از این‌رو فعالیت گسترده‌تر و بیشتر در دستور کار حلقه سوسیال دموکرات‌های شعبه تهران که سید جمال‌الدین نیز عضو مؤثر آن بود، قرار گرفت. به نظر می‌رسد که به تبع شرایط پیش گفته شده، حفظ مجلس و نظام مشروطه فعلی به‌عنوان برنامه اصلی حلقه مذکور تعیین شد و اعضا به فراخور توانایی خود وظیفه‌ای را بر عهده گرفتند. مأموریت سید جمال‌الدین به‌عنوان یک واعظ مشهور مقابله با تحریکات واعظین مشروعه خواه در قالب ایراد سخنرانی در مساجد و مدارس مختلف بود. لذا در راستای انجام این مهم و در واکنش به کنش‌های هم عصر خود سخنرانی‌های مهمی را ایراد نمود. عمده این سخنرانی‌ها از محرم سال ۱۳۲۵ تا ربیع الثانی سال ۱۳۲۶ هـ در روزنامه هفتگی الجمال که با مدیریت میرزا محمدحسین اصفهانی در تهران تهیه و توزیع می‌شد، منتشر گردید.

تحقیق پیش‌رو به مواضع و گفتمان سید جمال‌الدین واعظ در روزنامه مذکور توجه دارد. به عبارتی تحقیق پیش‌رو قصد دارد تا با تمرکز بر گفتارهای جمال‌الدین که در روزنامه الجمال منتشر شده است، مهم‌ترین مواضع او را واکاوی و بررسی نماید. از آنجا که سید جمال‌الدین یکی از روشنفکران مؤثر در عصر مشروطه است مشاهده و تبیین آراء او می‌تواند راهگشای فهم ما از پارادایم فکری عصر مشروطه باشد.

تحقیق حاضر با تأسی به توصیف و تحلیل داده‌ها از طریق مطالعه متون و شناخت زمینه اجتماعی و سیاسی می‌کوشد تا مواضع وی را تبیین کند. از این رو باید به حوادث و وقایع زندگی و زمینه فکر و عمل سید جمال‌الدین به‌مثابه یک سوژه تاریخی توجه شود. تشدید تنش‌های سیاسی و صف‌آرایی موافقان و مخالفان مشروطه، نزاع‌های گفتمانی مشروعه خواهی و مشروطه‌خواهی و غیره همگی کنش‌هایی هستند که باید مواضع و آراء سید جمال‌الدین را به‌مثابه واکنش یا پاسخی به آن دانست.

۱- معرفی سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی و روزنامه الجمال

۱-۱ سید جمال‌الدین اصفهانی

سید جمال‌الدین واعظ معروف به «اصفهانی» در زمره علمائی قرار داشت که به «صدر» و «عاملی» شهرت داشتند.^۱ او مقارن با جنبش مشروطه خواهی با آن همراهی کرد و به نوشتن و ایراد سخنرانی‌های بسیار مهمی با محوریت نقد وضع موجود جامعه پرداخت. کوشش وی در این مسیر و به خصوص نوشتن رساله «رؤیای صادق» و رساله «لباس التقوی» خشم حکمران اصفهان یعنی ظل السلطان و غضب روحانی مشهور آن شهر آقانجفی را به دنبال داشت.^۲ از همین رو به تهران نقل مکان کرد و در کوچه امین‌التجار سکنی گزید.^۳ او در این شهر نیز همان رویه سابق را پیش گرفت و سید عبدالله بهبهانی از رهبران جنبش مشروطه را همراهی کرد.^۴ بعد از برقراری نظام مشروطه، ارتباطش با مشروطه خواهان تندرو نظیر سید

۱. خاطرات سیاسی و تاریخی، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی و انتشارات ایران و اسلام، ۱۳۶۲، مقاله «سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی و بعضی مبارزات او»، سید محمدعلی جمالزاده، ص ۱۷؛ نشریه خاطرات وحید، شماره ۳۱، اردیبهشت ۱۳۵۳، صص ۳۵-۴۵.

۲. بنگرید به: رسائل قاجاری؛ کتاب پنجم رویای صادق- لباس التقوی، به کوشش، صادق سجادی و هما رضوانی، چاپ اول، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳؛ سید محمدعلی جمالزاده، مقاله: «ماه شب چهاردهم و سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی»، مجله وحید، شماره ۱۰۲، خرداد ۱۳۵۱، ص ۳۶۷.

۳. علی جواهر کلام، مقاله «سید جمال‌الدین اصفهانی»، نشریه ارمغان، دوره چهارم، شماره ۱، فروردین ۱۳۵۰، ص ۵۶.

۴. این ارتباط در دوره پسا استقرار مشروطه کمتر شد و سید جمال‌الدین در وعظ‌های خود به خاطر افزایش قدرت و دخالت سید محمد بهبهانی در چند مسجد ایراد سخنرانی داشت. هر چند که به نقل از محمدعلی جمالزاده این کدورت چندان طول نکشید و بین دو نفر آشتی برقرار شد. (نشریه خاطرات وحید، شماره ۳۱، اردیبهشت ۱۳۵۳، صص ۳۸ و ۴۱).

محمد رضا مساوات و میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل نزدیک تر شد.^۱ بدین گونه با همراهی آن‌ها در دفاع از نظام تازه استقرار یافته‌ی مشروطه و تبیین مؤلفه‌های آن از طریق وعظ و سخنرانی کوشش بسیاری کرد.^۲ عمده سخنرانی‌های وی در مسجد شاه، مسجد شیخ عبدالحسین و مسجد سید نصرالدین، تیمچه توتون فروش‌ها در سبزه میدان و همچنین مدرسه صدر که محل انجمن اتحادیه طلاب بود، ایراد می‌شد.^۳ این کوشش‌ها در ماه‌های اول پسا استقرار نظام مشروطه و توفیق هواداران جنبش در رسیدن به خواسته‌هایشان نظیر ایجاد مجلس شورای ملی محدودتر شد. در این فاصله او نیز همچون برخی دیگر از مشروطه خواهان که به باورهای انقلابی حوزه قفقاز دلبستگی داشتند، به شعبه تهران فرقه اجتماعیون عامیون پیوست.^۴

رویدادهای پسا تشکیل مجلس اول شورای ملی و به خصوص کشمکش مجلس و دولت نظم سیاسی موجود را با چالش جدی روبرو کرد. به تبع اوضاع اقتصادی نیز متأثر از این کشمکش‌ها بحران جدیدی را تجربه می‌کرد. در عوض حل این بحران‌ها، مناقشه دولت و مجلس بیش از پیش تشدید یافت. به گونه‌ای که محمدعلی میرزا و درباریان حامی بازگشت به نظام استبدادی پیشین کوشش زیادی کردند که قانون اساسی تدوین شده مجلس شورای ملی توسط مظفرالدین شاه که واپسین روزهای زندگی‌اش را می‌گذراند، توشیح نشود. پس از آن نیز حتی توفیق در توشیح قانون اساسی نیز وضعیت بغرنج و مناقشه گفته شده را تحدید نکرد. چرا که با مرگ مظفرالدین شاه در ذی القعدة و تاجگذاری محمدعلی میرزا در ذی الحجه ۱۳۲۴ آغاز دوباره بر این تشدید پیش گفته شده بود. شاه جدید به محض تاجگذاری و نشستن بر اریکه قدرت، در پایان سال صدور فرمان مشروطه با اعلام خواسته شرعی شدن سلطنت به جای مشروطه شدن آن به تقابل با مجلس و حامیان آن روی آورد. اگرچه وی در همان ماه تحت فشار مشروطه خواهان به خصوص مجاهدان تبریزی

۱. سید محمدعلی جمالزاده، مقاله «محمدعلی شاه قاجار و سید جمال الدین واعظ...»، نشریه خاطرات وحید، شماره ۲۸، بهمن ۱۳۵۲، ص ۱۲.

۲. سید محمدعلی جمالزاده، مقاله سید جمال الدین واعظ اصفهانی و بعضی مبارزات او، یادنامه سید محمدعلی جمالزاده، به کوشش علی دهباشی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۷۷، ص ۳۷.

۳. جواهر کلام، ۱۳۵۰، ص ۵۶.

۴. سهراب یزدانی، اجتماعیون عامیون، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴.

از این خواسته عقب نشینی کرد و تمایل خود به هواداری از مشروطه را اعلام و امضاء نمود. با این حال این موضوع دستاویزی برای تشدید کشمکش‌های مشروطه خواهان و مخالفان آن شد. به گونه‌ای که آغاز سال جدید یعنی از محرم ۱۳۲۵ هـ با پیوستن برخی از واعظ و روحانیون به جرگه مخالفان مشروطه شاهد فعالیت گسترده حامیان طرح شرعی شدن سلطنت و ابراز مخالفت با مشروطه هستیم. سخنرانی‌های سید اکبر شاه تفرشی زنجانی و چندین تن دیگر از روحانیون در ماه محرم همان سال و سپس اقدام به تحصن در شاهزاده عبدالعظیم نمونه‌ای از این تلاش‌های سازماندهی شده بود.^۱

در چنین شرایطی است که فعالیت گسترده‌تر و بیشتر در دستور کار حلقه سوسیال دموکرات‌های شعبه تهران که سید جمال‌الدین نیز عضو مؤثر آن بوده است، قرار گرفت. به نظر می‌رسد که به تبع شرایط پیش گفته شده، حفظ مجلس و نظام مشروطه فعلی به‌عنوان برنامه اصلی حلقه مذکور تعیین شده است و اعضا به فراخور توانایی خود وظیفه‌ای را بر عهده گرفتند. مأموریت سید جمال‌الدین به‌عنوان یک واعظ مشهور مقابله با تحركات واعظین مشروعه خواه در قالب ایراد سخنرانی در مساجد و مدارس مختلف بود. لذا در راستای انجام این مهم و در واکنش به کنش‌های هم عصر خود سخنرانی‌های مهمی را ایراد نمود. عمده این سخنرانی‌ها از محرم سال ۱۳۲۵ تا ربیع الثانی سال ۱۳۲۶ هـ در روزنامه هفتگی الجمال که با مدیریت میرزا محمدحسین اصفهانی در تهران تهیه و توزیع می‌شد، منتشر گردید تا مشروطیت را به زبان ساده برای عامه مردم توضیح دهد.

۱-۲ معرفی روزنامه الجمال

روزنامه الجمال در سال ۱۳۲۵ هـ.ق با مدیریت میرزا محمدحسین اصفهانی در تهران با چاپ سری منتشر شده است. مواعظ و خطابه‌های ناطق نامدار سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی در این روزنامه منتشر می‌شد. شماره نخست روزنامه الجمال در محرم سال ۱۳۲۵ و آخرین شماره آن (شماره ۳۶) در ربیع الثانی سال ۱۳۲۶ منتشر شده است. مطالب این روزنامه بیشتر شامل مواعظ سید جمال‌الدین بود. به

۱. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۹۰، ص ۲۲۶.

گونه‌ای که از ۱۴۰ صفحه روزنامه، در ۱۰۳ صفحه آن (۸۴ صفحه کامل و ۱۹ صفحه مشترک) مواعظ سید جمال درج شده است. به عبارتی تنها در سه شماره ۲۹، ۳۳ و ۳۴ از روزنامه مواعظ سید جمال چاپ نشده است. مشخصه بارز این روزنامه روایت مشروطیت به زبان ساده برای عامه مردم بود و همین امر آن را از روزنامه‌های حزبی و سیاسی آن روزگار متمایز می‌کرد. علاوه بر این مهم‌ترین ویژگی الجمال در حوزه روزنامه‌نگاری نیز آن بود که روزنامه را از شکل کالای انحصاری خواص خارج و به میان توده مردم برد. چنانکه سید احمد طباطبایی در مورد او گفته که سید جمال‌الدین آن قدر به مردم گفت روزنامه بخوانید که آن‌ها «روزنامه خواندن را جزو ضروریات مذهب» می‌دانستند.^۱ فارغ از این سبک و سیاق روزنامه، به انگیزه‌ها و شرایط بافتار تاریخی نشر این روزنامه و دشواره‌ها و پاسخ‌های مقبول نیز در همان شماره اول اشاره شده است: «جمعی از مشترکین محترم دارالخلافه تهران و بسیاری از سایر بلدان مکرر به ما نوشته و اخطار کردند که قدری از مواعظ شافیه و بیانات وافیه جناب مستطاب... آقای آقا سید جمال‌الدین صدرالمحققین را در روزنامه ندای وطن بنگاریم که حقیقت کلمات دلپذیرش قلوب افسرده دلان را روان و انفاس مقدسه‌اش ابدان مرده را جان بخشد و الحق از اثر داد و فریاد او است که همشهری‌های ما از خواب سیصدساله بیدار شدند و به هیجان آمدند و او اول کسی است که به این صراحت و وضوح مسائل سیاسی را در فراز منبر حل نمود و اصول امر به معروف و نهی از منکر را به اقتضای زمان اجرا فرمود و مردمان عامی درس نخوانده را از بیان کافی و تبیان شافی خود دانا و به حدود انسانیت آشنا و به استرداد حقوق مغضوبه خود توانا ساخت و در میدان سخندانی بیرق افتخار برداشت.»^۲ نظر به این رویه می‌توان گفت که گردانندگان این روزنامه یک سو سعی داشتند مطالب روزنامه را با آیات قرآن و احادیث نبوی منطبق کنند و از سوی دیگر زبانی نرم و ملایم را برگزینند تا حساسیت محمدعلی شاه و طرفدارانش را به دنبال نداشته باشد. این روزنامه با چنین سبکی منشور حقوق بشر فرانسوی را با روایت

۱. کسروی، ص ۲۹۰.

۲. الجمال، سرمقاله، سال اول، شماره ۱، ۲۶ محرم الحرام ۱۳۲۵، ص ۱.

بومی تشریح و با دین و فرهنگ عامه مردم سازگار کرد. همچنین از شاخصه‌های مهم دیگر این روزنامه مبارزه علنی با روحانیون قشری مذهب بود و چنین روحانیونی را به سو استفاده از احساسات دینی مردم متهم می‌کرد؛ بنابراین روی هم رفته الجمال در تاریخ ایران نشریه‌ای منحصر به فرد است.

۲- مؤلفه‌های اصلی اندیشه سید جمال‌الدین در روزنامه الجمال

۲-۱ ضرورت بازگشت به آموزه‌های قرآنی و اسلام اصیل به‌عنوان راهکار عبور

سید جمال‌الدین با اطلاع از بیان‌های سنتی موجود و درک شرایط سیاسی و اجتماعی و با بهره‌گیری از زمینه‌های فکری موجود همچون مخالفان و موافقان مشروطه نسبت به وضعیت بغرنج و گرفتاری‌ها و مصائب زمانه خود آگاه بود و ضرورت بازگشت به آموزه‌های قرآنی و اسلام اصیل را به‌عنوان راهکار عبور طرح کرد. این ایده ضرورت بازگشت به اسلام اصیل، احیای دین و بازگشت به آموزه‌های اصیل دینی به‌عنوان راهکار برون رفت جامعه از گرفتاری‌های موجود توسط بسیاری دیگر از حامیان مشروطه نیز تبلیغ می‌شد. با این حال نگاه مثبت اصفهانی به تحولات دوره مدرن غرب و تلاش در برقراری پیوند میان آموزه‌های اصیل اسلامی و صور مدرنیته نقطه افتراق او با دیگران است. او تلاش داشت تا از خلال مفاهیم و صور مدرنیته به تفسیر آموزه‌های قرآنی و دینی بپردازد. بر همین اساس است که او در بیان خود از دین اسلام به‌عنوان بهترین ادیان و از قرآن به‌عنوان بهترین کتاب آسمانی و معجزه‌ای تغییر ناپذیر یاد می‌کند که احکام آن تا روز قیامت باقی خواهد ماند و در همه دوره‌ها حلال مشکلات مسلمانان خواهد بود.^۱ به زعم او «تمام مطالب سیاسی و قوانین محتاج الیه در امورات دنیا و آخرت» در قرآن وجود دارد.^۲ لذا بر

۱. روزنامه الجمال، ویژه نامه فصلنامه تخصصی بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، به مدیر مسئولی عبدالمجید معادپخواه و سردبیری ابوالفضل شکوری، تحقیق و تصحیح ابوالفضل شکوری، تهران، انتشارات یاد، سال بیست و یکم، شماره ۷۹، بهار ۱۳۸۴؛ مقاله «بقیه مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی حقوق»، الجمال، شماره ۳۲، ... صفر ۱۳۲۶، ص ۲۹۱.
۲. همان، گفتار: «مواعظ آقا سید جمال‌الدین در مسجد شاه»، الجمال، شماره ۳۶، ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۲۶، ص ۳۲۲.

این باور تأکید داشت که با رجوع به «احکام» و اطاعت از «اوامر و نواهی» و توسل به اجرای «قوانین» آن «سعادت دنیا و آخرت مسلمان‌ها» تضمین خواهد شد.^۱ او با این تفسیر به شرایط ناگوار جوامع اسلامی رجوع می‌کند و گرفتاری‌های موجود و همه «خرابی‌ها» را ناشی از غفلت مسلمانان از این موضوع می‌پندارد.^۲ وی که مبنای بیان خود را بر غفلت‌ورزی مسلمانان قرار داده است، به نکوهش استبداد «جسمانی» و «روحانی» می‌پردازد که بانی و عامل این غفلت‌ورزی بوده و در طول هزار سال مانع از درک حقیقی احکام اسلامی و در نتیجه گرفتار شدن جامعه در دام انواع گرفتاری‌ها شده بود. در همین رابطه می‌گوید: «از غایت ظلم و استبداد و بدبختی و جهل در واقع معنی قرآن و مقصود پیغمبر ما صلی‌الله و اله بیشتر از سی چهل سال بعد از وفات پیغمبر ما صلوات علیه در میان مردم شایع نبود یعنی همان صدر اسلام که هنوز آن دین خالص خدایی و آن قانون تابناک اسلامی دستخوش اغراض شخصی و هوای نفسانی این و آن نشده بود همین که دوره صحابه و تابعین منقضی شد آن وقت اول اختلاف شد» و این اختلافات تا جایی پیش رفت که «خود دین اسلام و متابعت قرآن و احکام قرآن» کنار گذاشته شد.^۳ این تلقی سید جمال‌الدین از استبداد «جسمانی و روحانی» که در طول سده‌های گذشته همواره در دو «لباس» بر جامعه تحمیل شده است،^۴ در واقع مبنای مخالفت او با سنت‌های سیاسی و دینی وقت قرار گرفت.^۵ او همین موضع خود را با وضع تاریخی موجود پیوند زد و به نمونه‌هایی از ظلم و ستم حاکمان و عالمان اشاره کرد تا بگوید این خطر همچنان وجود دارد و باید در مقابله با آن اقدام نمود. برای نمونه او از اقدام مشروعه خواهان در مقابله با مجلس و مشروطیت به‌عنوان یکی از این نمونه‌ها نام

۱. همان، گفتار «بقیه مواعظ جناب آقا سید جمال الدین درباره قرآن» الجمال، شماره ۲۶، ۱۵ شوال ۱۳۲۵، ص ۲۳۹.

۲. همان.

۳. همان، صص ۲۴۱-۲۴۰.

۴. «یکی لباس ظلمه و امرا و حکام که اینها شغل شان و هم شان ظلم بر عباد و تخریب بلاد بود» و «قسم دوم علمای سوء» یا «عالم نمایان که لباسشان لباس بازید بسطامی است و طینت شان طینت یزید بن معاویه است». (همان، گفتار «بقیه مواعظ جناب... آقای آقا سید جمال الدین واعظ در باب حقوق»، الجمال، شماره ۱۸، ۲۳ جمادی الثانیه ۱۳۲۵، ص ۱۶۳.

۵. همان، صص ۱۷۲، ۱۶۹، ۱۶۵.

می‌برد و آن را «فتنه امروزی» دسته «عالم نمایان» می‌خواند و با اشاره به آموزه‌های دینی و قرآنی خواهان اجرای حکم: «و الفتنة اشد من القتل» برای آن‌ها شد.^۱ اصفهانی از خلال همین توضیح و تفسیر سعی داشت به مهم‌ترین مسئله زمانه خود که در این وضعیت بغرنج چه باید کرد؟ بود، پاسخ بدهد و راهکار عبور را طرح کند. چنانکه گفته شد او تنها اهرم عبور از وضع ناگوار زمانه خود را بازگشت به اسلام اصیل و جاری شدن احکام اصیل دین اسلام و قرآن معرفی کرده است. علاوه بر این او با پذیرش روحیه علم‌گرایی و دستاوردهای تکنولوژیک تمدن غربی بر موضع‌گیری مثبت مردم نسبت به علم و دستاوردهای علمی تأکید می‌کند. در تلقی سید جمال این روحیه می‌توانست راه‌گیزی برای رهایی از شرایط اسفبار مسلمانان در آن برهه تاریخی باشد. می‌گوید بر تمام مسلمانان واجب است که بنا به سفارش پیامبر اسلام و ائمه، اولاد خود را بعد از آموزش اصول و فروع دین، درس سربازی و توپ اندازی و علم جنگ و جهاد بیاموزند و یا اگر تاجرزاده است علم تجارت را به او بیاموزند و عقیده دارد که استعداد ایرانی‌ها در این زمینه‌ها از اهالی فرنگ بسیار بیشتر است، اما آن‌ها به واسطه علم و تلاش به این مقام بلند رسیده‌اند، اما مسلمانان به جهت بی‌علمی و تنبلی دلیل آن‌ها و محتاج به صنایع آن‌ها شده‌اند. او از مردم می‌خواهد حال که به واسطه انقلاب مشروطه فضای مناسبی فراهم شده است و مردم اندکی از خواب غفلت بیدار شده‌اند به اصلاح خرابی‌های گذشته همت نمایند تا بدین طریق بتوانند اسلام و جوامع اسلامی را از ذلت و حقارت بیشتر در نزد ملل خارجه و بیگانگان مانع شوند.^۲

۲-۲ نفی استبداد دینی و سیاسی و پذیرش نظام مشروطه به عنوان یک

عناصر مطلوب

اصفهانی در سخنرانی‌های دیگر خود بارها بر مؤلفه استبداد جسمانی و روحانی تأکید داشته است. او می‌گوید «بعد از پیغمبر ما هر ظلمی که بر ما مسلمان‌ها وارد شد به واسطه اتحاد این دو دست بود. ائمه ما را شهید نکردند مگر به واسطه اتحاد

۱. همان.

۲. همان، گفتار «بقیه از امتیاز فضلی از مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین»، الجمال، شماره ۱۲، ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵، صص ۱۱۵-۱۱۷.

این دو دست، خانه نشین نکردند مگر به واسطه اتحاد این دو دست، ممالک اسلامی ضعیف نشد مگر به واسطه اتحاد این دو دست، فرنگی‌ها بر مسلمان‌ها استیلا و غلبه پیدا نکردند مگر به واسطه اتحاد این دو دست. مختصر هر چه به سر ما آمد از اتحاد این دو دست بود.^۱ بدین گونه او با نفی استبداد سیاسی و دینی، نظام مشروطه را به‌عنوان یکی از عناصر مطلوب گفتمان مدرن غربی می‌پذیرد و آن را «قطع کننده دوران طولانی استبداد و ستمگری» می‌داند که می‌خواهد بعد از هزار سال دوباره احکام قرآن را کشور جاری کند.^۲ تا در زیر لوای اجرای این احکام «حقوق و حدود هر کسی معین باشد و احدی نتواند از حدود خود تجاوز کند و حاکم بر همه همان کلمه قرآن و قانون باشد.»^۳ از همین رو مؤکداً از مردم درخواست می‌نماید که قدر و ارزش آن را بدانند.^۴

از آنجایی که فکر مابینت مشروطه با آموزه‌های دینی بیش از پیش از سوی مشروعه خواهان در جامعه ترویج می‌شد، سید جمال در پاسخ می‌گفت: «خداوند عالم مقدر فرمود از نظر عنایت حضرت حجت عجل الله فرجه این دو دست از یکدیگر جدا شدند و گفتند سلطنت مستبده غلط است، سلطنت باید مشروطه باشد یعنی در تحت قانون باشد. آنچه قانون حکم می‌کند باید اجرا شود بسته به میل پادشاه و حاکم و صدر اعظم نیست.»^۵ او سعی کرد تا پیوند بحث خود را با عناصر مطلوب مدرنیته حفظ کند و از خلال آن‌ها به تفسیر احکام دین پردازد. از همین در خصوص توجه دین به مجلس به‌عنوان برآورده مطلوب مدرنیته اشاره می‌کند: «مردم! ما که مجلس مقدس شورای ملی می‌خواهیم نه این است که بخواهیم به قانون فرنگی‌ها رفتار کنیم، ما الحمدالله بهترین قوانین عالم را که قرآن باشد خودمان

۱. همان، گفتار «بقیه مواعظ آقای آقا سید جمال الدین در معنی حقوق» الجمال، شماره ۲۳، ۹ رمضان ۱۳۲۵، ص ۲۱۶.

۲. همان، گفتار «بقیه مواعظ آقای سید جمال الدین از شماره ۲۳»، الجمال، شماره ۲۴، ۲۷ رمضان ۱۳۲۵، ص ۲۲۱.

۳. همان، گفتار «بقیه مواعظ آقای آقا سید جمال الدین در معنی حقوق»، الجمال، شماره ۱۷، ۷ جمادی الثانیه، ۱۳۲۵، ص ۱۶۰.

۴. همان، گفتار «بقیه مواعظ آقای سید جمال الدین از شماره ۲۳»، الجمال، شماره ۲۴، ۲۷ رمضان ۱۳۲۵، ص ۲۲۱.

۵. همان، گفتار «بقیه مواعظ آقای آقا سید جمال الدین در معنی حقوق» الجمال، شماره ۲۳، ۹ رمضان ۱۳۲۵، ص ۲۱۷.

داریم، اما اروپایی‌ها ترتیب مأموریت و دستورالعمل وزارت و گرفتن مالیات و دادن مالیات را آن‌ها طوری درست کرده‌اند که دیگر به کسی ظلم نمی‌شود.^۱

سید جمال‌الدین از خلال همین پیوند، چنانکه مشهود است، حاکمیت قانون را ویژگی شاخص یک نظام مشروطه معرفی می‌کند و ایده قانون‌گرایی و حکومت مبتنی بر قانون را نیز از فرهنگ غربی اخذ و مردم را به اطاعت از قانون اساسی مشروطه دعوت می‌کند. او تکرار می‌کند و می‌گوید: «...مقنن و حاکم و آن کسی که این قوانین را وضع و معین فرموده خداست و احکام او در قرآن است... مقنن غیر از خودش دیگری نیست و کسی را نمی‌رسد که در آن مقام دست اندازی کند و یا آن که شفاعت مخالفین قوانین او را نماید...» و حکم این قوانین «اعم از عبادات و معاملات و حدود و دیات» برای همه افراد جامعه مساوی است.^۲ به عبارتی سید جمال وضع قانون را مختص به خدا می‌داند و قرآن را مجموعه قوانین خدا برای امور دنیوی و اخروی بشر قلمداد می‌کند که همه افراد در قبال عمل به آن‌ها برابر هستند و در تائید این گفته به آیات ۲۵۵ سوره بقره، ۴۴ تا ۴۷ سوره الحاقه اشاره می‌کند.^۳

با این پیش زمینه او یادآور می‌شود قوانین مجلس شورای ملی که متمم آن در شعبان ۱۳۲۵ به تصویب مجلس رسیده بود، همان قانون خدا و قرآن است که تا پیش از مشروطه به واسطه ظلم و استبداد از آن‌ها غفلت شده بود؛ و از آنجایی که این فکر که قوانین مجلس با احکام و آموزه‌های اسلامی در تضاد است، از سوی بخش از حامیان دین در جامعه تبلیغ می‌شد، می‌گوید: «ایها الناس! هیچ مملکت شما را آباد نمی‌کند مگر متابعت قانون، مگر ملاحظه قانون، مگر حفظ قانون، مگر اجرای قانون، قانون، باز هم قانون! ایضاً قانون اطفال باید از طفولیت در مکاتب و مدارس قانون بخوانند و بدانند هیچ معصیتی در شریعت و دین بالاتر از مخالفت قانون نیست. معنی معصیت یعنی خلاف قانون عمل کردن. دین یعنی قانون، مذهب

۱. همان، گفتار «منبر شب ۱۵ شهر محرم الحرام»، الجمال، شماره اول، سال اول، ۲۶ محرم الحرام ۱۳۲۵، ص ۲۴.

۲. همان، گفتار «بقیه مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی آزادی کلام و آزادی قلم»، الجمال، شماره دهم، ۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵، ۹۸-۹۷.

۳. همان، ص ۹۹.

یعنی قانون، دین اسلام یعنی قانون اسلام، قرآن یعنی قانون خدایی. آقا جانم قانون! قانون! بچه‌ها باید بفهمند، زن‌ها باید بفهمند که حاکم قانون است و بس. هیچ‌کس در مملکت حکمش مجری نیست، مگر قانون مجلس شورای ملی، یعنی حافظ قانون. وکیل یعنی کسی که تدوین قانون کند مجلس مقننه و قوه مقننه یعنی مجلسی که قانون وضع می‌کند. وزیر یعنی مجری قانون، سلطان یعنی رئیس قوه مجریه قانون. سرباز یعنی حافظ قانون، پلیس یعنی حافظ قانون، عدالت یعنی قانون، مختصر آبادی مملکت شیرازه بندی ملیت و قومیت هر ملت منوط است به اجرای قانون.^۱ گویاست که در عرصه سیاسی او به حاکمیت قانون به‌عنوان مقدمه توسعه و آبادی کشور و برقراری آزادی و مساوات باور دارد.

۲-۳ آزادی؛ والاترین نعمتی که خدا برای بشر خلق کرده است

در اندیشه اصفهانی تأکید زیادی بر ضرورت فرآیند فرهنگ پذیری از تمدن غربی شده است. او که بیشتر متأثر از مشروطه خواهی میانه رو با ویژگی پذیرش مشروطه با صبغه مذهبی بود و همین تفکر را در دو کتاب لباس التقوی و رؤیای صادقه نیز پی گرفته بود، همواره در این چارچوب مفاهیم مدرن و صور مدرنیته را با ادبیات دینی توضیح داده است. چنانکه همین رویه را در قبال دو مفهوم و مؤلفه مورد بحث عصر خود یعنی آزادی و عدالت هم در پیش گرفته است. به زعم او آزادی، رفتار کردن «تمام اهالی مملکت» مطابق «قانون آن مملکت» است که با تحقق آن اهالی «از احدی خائف و حارس نباشد مگر از مجازات قانون مملکت». این آزادی در اندیشه سید جمال‌الدین محدود به حدود قانون است و اگر کسی مطابق قانون رفتار نکرد - «یعنی به قانونی که خداوند در قرآن بیان فرموده عمل» - نکرد، «عموم ملت حق نهی» او را دارند.^۲ بنابراین در نظر سید جمال‌الدین آزادی افراد تا جایی مورد پذیرش خواهد بود که قانون معین کرده است. بیان او به همین تعیین حدود آزادی محدود نشد است، «آزادی» در نظر او بسیار پر ارج است و آن را والاترین «نعمت»

۱. همان، گفتار «بقیه مواظظ جناب آقا سید جمال‌الدین درباره آثار قهری استبداد و ظلم»، الجمال، شماره ۳۵، ۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۶، صص ۳۱۵-۳۱۴.

۲. همان، گفتار «بقیه مواظظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی آزادی کلام و آزادی قلم»، الجمال، شماره دهم، ۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵، ص ۹۶.

می‌داند که خداوند خلق کرده است تا اهالی به مساوات از آن برخوردار شوند.^۱ این مساوات در آزادی چنان برای وی مورد توجه است که اساساً هر نوعی از آزادی که افراد را به «آزاد» بودن و «بنده» بودن تقسیم کند را «عین ظلم و جور و مبعوض خدا و رسول و مردود تمام شرایع و ادیان» دانسته است. او می‌گوید: «... آزادی باید با مساوات باشد یعنی جان و مال و عرض و ناموس و زبان تمام مسلمانان با مساوات به حکم قرآن آزاد است. به این معنی احدی نمی‌تواند بدون حکم خداوند بر جان و مال و یا ناموس احدی ضرر و زبانی برساند.»^۲ در تأیید این تفسیر نیز به وصیت امام علی به فرزندانش - «و کونا للظالم خصما و للمظلوم عوناً...» - و به حدیث «لا یطمع التقوی فی باطله و لا ییاس الضعیف من عدله...» اشاره داشته است.^۳

سید جمال از همین دریچه برابری یا مساوات در آزادی حقوق اهل ذمه و اقلیت‌های دینی را مورد توجه قرار می‌دهد. در نظر او مسلمان و غیرمسلمان «نبایستی به جز از احکام خدا و پیغمبران او از هیچ چیز و هیچکس ترسی داشته باشد» و با تشریح وضعیت یهودیان در ایران، از نحوه برخورد مسلمانان با آنها ابراز تأسف می‌کند.^۴ در این خصوص او با بیان نحوه رفتار با اهل ذمه در صدر اسلام کوشش کرده است تا رفتار نادرست با اهل ذمه را اصلاح کند. او همه افراد خارجه ساکن ایران را اهل ذمه حساب می‌کند و محافظت از جان و مال و ناموس و شرف آنها را لازم و واجب می‌داند. این توجه سید به غیرمسلمانان در خصوص زرتشتیان ویژه‌تر است و درباره‌شان می‌گوید: «... طایفه نجیبه زرتشتیان این‌ها فارسیان حقیقی می‌باشند ایرانی اصیل نجیب همین‌ها هستند مراعات جانب طایفه زرتشتی بر اهالی دولت ایران و مجلس مقدس شورای ملی لازم است...»^۵ و در ادامه قتل تاجر زرتشتی در یزد را مورد نقد قرار می‌دهد.^۶ سید جمال عقیده دارد در عصر جدید که همه به

۱. همان، گفتار «مواعظ آقای آقا سید جمال الدین در معنی حریت»، الجمال، شماره ششم، ۴ ربیع الاول ۱۳۲۵، ص ۶۲.

۲. همان، گفتار «مواعظ آقای آقا سید جمال الدین در معنی آزادی»، الجمال، شماره هفتم، ۱۱ ربیع الاول ۱۳۲۵، صص ۷۱-۷۰.

۳. همان.

۴. همان، گفتار «بقیه مواعظ آقای آقا سید جمال الدین در معنی آزادی کلام و آزادی قلم»، الجمال، شماره دهم، ۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵، ص ۱۰۰.

۵. همان، گفتار «بقیه مواعظ آقای آقا سید جمال الدین از شماره ۲۳»، الجمال، شماره ۲۴، ۲۷ رمضان ۱۳۲۵، ص ۲۲۶.

۶. همان.

دنبال ترقی و پیشرفت هستند، ملل خارجه از نوع رفتار مسلمانان با اهل ذمه متعجب و دلسرد خواهند شد و از شدت جهل و نادانی مردم درباره نحوه برخورد توهین آمیز نسبت به اهل ذمه ابراز گلایه می‌کند.^۱

سید جمال‌الدین با این بیان خود از آزادی و با رجوع به واقعیت جامعه، اشاره می‌کند که به واسطه استبداد، ملت ایران هنوز طعم آن را نچشیده‌اند.^۲ او با نقد حوادث دوره زیسته خود هیچ نسبتی میان وضع موجود و آزادی نمی‌بیند و می‌گوید: «معنی حریت و آزادی این است که وقتی شب در خانهات می‌خوابی یا صبح از خانهات بیرون می‌آیی غیر از خدا و حکم خدا از احدی نترسی و یقین داشته باشی تا خلاف قانون از تو صادر نشود، یعنی خلاف فرمان خداوند از تو صادر نشود، اگر هزار نفر دشمن داشته باشی نتوانند آسیبی به تو برسانند. خلاف امروز مملکت ما که هر انسان همین قدر که فقیر شد و صاحب قوه و قدرت و طائفه نبود باید از هزار نفر بترسد که مبدا اسباب چینی بکنند و مالش را بخورند.»^۳

توجه سید جمال‌الدین تنها به آزادی فردی محدود نماند. او حکم جوامعی را که مردمانشان از «نعمت حریت» برخوردار نیستند را چون مردگانی می‌داند که قادر به چشیدن طعم «لذایذ زندگانی در دنیا» نخواهند بود. او حتی گامی فراتر می‌نهد و از قول حکیمی می‌گوید: «آزادی و حب وطن توأم زاییده می‌شوند؛ یعنی هر جا آزادی نیست حب وطن نیست. چگونه که اشخاص بی اولاد از درجه مهر پدری بی‌خبرند، ملت غیر آزاد نیز از محبت وطن بی‌خبرند». این توجه به آزادی تا جایی است که می‌گوید «آزادی چنان گران بهاست که او را جز به نقد حیات به چیز دیگر نمی‌توان خرید» چنانکه امام حسین مرگ شرافتمندانه را به تن دادن به ذلت پذیرش فرمان‌بری فرومایگان ترجیح داد و فرمود: «الا و ان الدعی بن الدعی قد رکنی بین اثنتین السله و الذله و هیهات منا الذله ابی الله ذلک لنا و رسوله و حدود طابت و حجور طهرت...»^۴

۱. همان.

۲. همان، گفتار «مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی حریت»، الجمال، شماره ششم، ۴ ربیع الاول ۱۳۲۵، ص ۶۲.

۳. همان، گفتار «مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی آزادی»، الجمال، شماره هفتم، ۱۱ ربیع الاول ۱۳۲۵، ص ۷۱.

۴. همان، ص ۷۴.

سید جمال‌الدین در این توجه خود به مؤلفه آزادی به اقسام آن نظیر آزادی هویت، آزادی لسان و قلم، آزادی مطبوعه، آزادی رأی و انتخاب و آزادی مجالس نیز پرداخته است. او «آزادی هویت» را موقعیتی تعریف می‌کند که در آن «هیچ‌کسی بدون حکم قانون نمی‌تواند به هیچ‌کس تحکم کند» و آن را معادل آیه «الناس مسلطون علی انفسهم و اموالهم» قرار می‌دهد.^۱ «آزادی لسان» را که با «امر به معروف و نهی از منکر» این همانی کرده است را به سلطان مقتدری مانند کرده است که حافظ سایر تکالیف و احکام در دین است و عمل به آن را همچون نماز و روزه بر تمام مسلمانان واجب دانسته است. او در جهت تأیید گفته خود به آیات ۳۸، ۵۹ سوره انعام و آیه ۱۲ سوره یاس و در باب امر به معروف و نهی از منکر به آیات ۱۱۰، ۱۱۴ و ۱۰۴ سوره آل عمران و همچنین نقل‌هایی از رسول اکرم و امام علی از کتاب بحارالانوار اشاره کرده است.^۲ آزادی قلم و مطابع نیز در نزد وی چنین تعریف شده است که در ذیل تحقق آن «ارباب جرأید در روزنامه‌ها از روی انصاف و درستی بدون غرض شخصی احکام خداوند را از برای مسلمانان بیان کنند تا همه بخوانند و از احکام قرآن مجید مستحضر شوند».^۳ در عین حال برای این قسم از آزادی محدودیتی قائل است و حتی تخطی از آن محدودیت‌ها را سزاوار مجازات می‌داند. در همین خصوص می‌گوید: «آزادی مطابع... یعنی آزادی چیز نوشتن که هر کس آن چه به نظرش می‌رسد در صلاح ملک و ملت آزاد است که بنویسد و به طبع برساند. ولی این آزادی البته باید محدود به حدود باشد و از حدود شرع تجاوز نکند. اولاً مخالف با قانون محمد... نباشد. ثانیاً مخالف منفعت عامه صحبت نکند و چیزی در روزنامه خودش ننویسد که مضر به هیئت اجتماعی مسلمانان باشد و ملاحظه احترام و مقام علماء اعلام را بنماید، حفظ شئون سلطنت را داشته باشد، با کمال احترام صحبت کند نام احدی را به زشتی در روزنامه ذکر نکنند... اگر چنانچه تخطی کرد... به مقتضای قانون که همان مقتضای قرآن است در معرض تنبیه و سیاست

۱. همان، گفتار «مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی آزادی»، الجمال، شماره نهم، ۲۵ ربیع الاول ۱۳۲۵، ص ۸۵.

۲. همان، گفتار «مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی آزادی»، الجمال، شماره نهم، ۲۵ ربیع الاول ۱۳۲۵، صص ۸۵-۹۱.

۳. همان، ص ۹۲.

درآید نه اینکه روزنامه‌نویس را منع از نوشتن کنند یا روزنامه را توقیف نمایند.^۱ سید همچنین آزادی رأی و انتخاب را چنین معنا می‌کند که «عموم ملت» آزاد باشند تا به اختیار خود، از طرف خود، «مردمان عالم کامل و خیر و بصیر و متدین» را انتخاب کنند تا در «مجلس شورای ملی» بتوانند «در مصالح و مفاسد راجعه به دولت و ملت بحث و مشورت بنمایند و حافظ و حامی قوانین موضوعه الهی باشند».^۲

۲-۴ تحقق عدالت و برابری مقدمه آبادی کشور

مؤلفه عدالت و برابری نیز از موضوعات مهم دوره مشروطه بوده است که در خصوص حدود و معنای آن تفسیرهای گوناگونی شده است. سید جمال‌الدین «مساوات» را همان «برابری» در زبان فارسی و «عدل» در قرآن و از آموزه‌های اصیل اسلامی می‌داند و تأکید می‌کند که دین اسلام بیشتر از هر دین دیگری به امر مساوات توجه داشته و آن را محترم دانسته است.^۳ مهم‌ترین وجه از قرائت سید جمال در خصوص امر مساوات ناظر بر تساوی همه اهل یک ملت در برابر حدود خدا و قانون است.^۴ او با بیان اینکه در قرآن و اخبار و احادیث، بین «شاه و گدا» تفاوتی نیست، نتیجه می‌گیرد که خداوند «تمام افراد عباد را در اداء وظایف و تکلیف دینی و اجراء قوانین شرع مساوی قرار داده است.» از همین رو می‌گوید مساوات یعنی اینکه باید «حدود خدا و قانون» به صورت مساوی در حق همه رعایت و اجرا شود و هیچ‌کس بر دیگر برتری نداشته باشد.^۵ در تأیید و اثبات این تعریف خود نیز به آیاتی از قرآن و یا احادیث مرتبط اشاره می‌کند. برای نمونه آیه شریفه «قل انما انا بشر مثلكم» را مثال می‌آورد که در آن خداوند از پیامبر خواست که: «بگو به مردم ای پیغمبر من که من انسانی هستم مثل شما یعنی هر چه بر شما واجب است بر من هم

۱. همان، گفتار «مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی آزادی» الجمال، شماره یازده، ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵، صص ۱۰۷-۱۰۶.

۲. همان، گفتار «بقیه مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی آزادی کلام و آزادی قلم»، الجمال، شماره دهم، ۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵، صص ۹۷.

۳. همان، گفتار «بقیه مساوات [۲]»، الجمال، شماره دوم، ۵ صفر ۱۳۲۵، صص ۲۸.

۴. همان، گفتار «منبر شب پنجشنبه ۱۵ شهر محرم الحرام»، الجمال، شماره اول، دوشنبه ۲۶ محرم الحرام ۱۳۲۶، صص ۲۰-۱۹.

۵. الجمال، شماره دوم، همان، صص ۲۸-۲۷.

واجب است و هرچه بر شما حرام است بر من هم حرام است.^۱ یا اشاره به این حدیث پیامبر که فرمودند: «حکمی علی الواحد حکمی علی الجماعه» یعنی «هر حکمی که من می‌کنم بر جمیع می‌کنم»^۲ و یا همچنین اشاره‌اش به آیه ۶۵ سوره زمر: «پس معلوم می‌شود که حکم خدا در حق کسی که شرک بیاورد به او مساوی است بین پیغمبر و غیر پیغمبر».^۳

بنابراین سید جمال مفهوم مساوات را همان برابری می‌داند و مرادش از این برابری و مساوات به همان تساوی و برابری آحاد افراد در برابر حدود الهی و قوانین محدود شده است. می‌توان از منظر وی چنین نتیجه گرفت که روابط افراد باید بر اساس حدود الهی تعیین شود و همه آن‌ها در برابر این حدود مساوی و برابر هستند. او در این تلقی خود از تساوی و برابری در برابر احکام الهی هیچ تقسیم‌بندی میان افراد جامعه برقرار نمی‌کند و همه آن‌ها را در برابر اجرای قوانین مساوی قرار داده است. آن‌چنان که گفته شد او در بیان مراد خود از آزادی نیز به برابری در آزادی توجه داشته است و تأکید داشت که «آزادی باید با مساوات باشد»؛ بنابراین می‌توان باور او به عدالت اجتماعی و عدالت سیاسی را از خلال گفته‌هایش دریافت. در خصوص عدالت و برابری اجتماعی او قائل به این است که آحاد افراد جامعه با هم مساوی هستند و با استناد به آموزه‌های دینی شاه و گدا را در حقوق برابر می‌داند. بدین ترتیب در نطق‌های خود آزادی و برابری را در کنار هم مورد توجه قرار داده است. او در بیانی دیگر مساوات را همان کلمه «عدل» مندرج در قرآن می‌داند و می‌نویسد: «عدل که یکی از اصول مذهب است... و خداوند در قرآن این همه امر به عدل فرموده است، همان مساوات است.»^۴ و برای تأکید بیشتر در راستای این همانی بودن این دو به آیات ۹۰ سوره نحل^۵ و ۲۶ سوره ص اشاره می‌کند. برای نمونه

۱. همان، ص ۲۸.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۲۹.

۵. ان الله یامر بالعدل و الاحسان... علی جواهر کلام که در تجربه زیسته خود با سید جمال‌الدین ارتباط داشته است، نوشته است که سید همواره این آیه را بر زبان داشته است و پس از بیان آن می‌فرمود: «... اس اساس مشروطیت بر سه چیز است: عدالت - حریت - مساوات.» (جواهر کلام، ۱۳۵۰، ص ۵۷)

می‌گوید: «این آیه و بسیاری از آیات قرآنی صریح است در این که واجب است از برای حاکم شرعی که حکم به عدل و حق کند یعنی آن چه حکم خداست همان را بگوید بدون هیچ ملاحظه‌ای و فرق نگذارد ما بین بندگان خدا...»^۱ و یا در مثالی دیگر با اشاره به آیه ۲۵ سوره حدید می‌گوید در این آیه: «مقصود از میزان ترازوی ظاهری نیست، بلکه مقصود از میزان قانون است. هر پیامبر قانونی از نزد خداوند می‌آورد که آن قانون عدالت و مساوات باشد و میزان است برای سنجیدن اعمال و عقاید و اخلاق و صفات همه کس و البته وقتی ترازو درست و محکم باشد از هر جنس از هر قبیل و از هر کس را در سنجیدن فرق نمی‌گذارد»^۲. و به محاکمات صدر اسلام نظیر محکمه امام علی و یک یهودی، محکمه قضاوت و داستان جبله الایهم غسانی از سلاطین شام و مرد بازاری فقیر و محکمه خلیفه عمر جهت تأکید بیشتر اشاره می‌کند.^۳ او با این تعریف خود، آبادانی کشور، ازدیاد ثروت، تعالی یافتن فرد و جامعه، اصلاح دنیا و آخرت، رفع استبداد، کینه و نفاق را در گروه برقراری عدل در جامعه می‌داند و باور داشت که با گسترش عدل خرابی‌ها پایان می‌یابد و همه جای کشور آباد خواهد شد.^۴ برای اثبات این باور خود به نمونه‌ای از تاریخ ایران باستان اشاره می‌کند و می‌گوید: «... در زمان انوشیروان عادل، روزی انوشیروان به وزیر خود بوزرجمهر گفت که یک ده مخروبه پیدا کن می‌خواهم بدهم به یکی از اجزاء خود که او را آباد کند برای خودش. بوزرجمهر یک ماه مهلت خواست در این مدت یک ماه تمام مملکت در مقام تفحص و تجسس برآمد که شاید در یکی از بلاد یک ده غیر آباد پیدا نماید، نتوانست که پیدا کند... انوشیروان گفت ای بوزرجمهر من خودم می‌دانستم و یقین داشتم که به واسطه عدل من جمیع دهات و قرای آباد و مأمور است، ولی میل داشتم که تو ملتفت باشی و بدانی که عدل مملکت را آباد می‌کند و دولت و ثروت را زیاد می‌کند و ظلم مملکت را خراب می‌کند اهل آن مملکت را فقیر و ذلیل می‌نماید، جمعیت نفوس را کم می‌کند،

۱. الجمال، شماره دوم، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. همان، گفتار «بقیه مساوات [۳]»، الجمال، شماره سوم، ۱۳ صفر ۱۳۲۵، ص ۳۸.

۴. همان، ص ۳۷.

مردمان همه بی علم و بی هنر و بدون حرفت و صنعت می‌شوند. مثل مملکت ایران که بی علمی چنان سرایت در تمام این مردم کرده و چنان پرده جهل و نادانی در مقابل آن‌ها حاجب و حائل شده که حد و حصر ندارد.^۱

سید پس از تعریف کامل اصل مساوات یا برابری و یا عدل از بحث خود چنین نتیجه می‌گیرد که: «همان قانون انسانیت و عدالت و مساوات که فرنگی‌ها بین خودشان گذاشته‌اند تمام در قرآن است.»^۲ او معتقد است این قانون مطیع و مجری احکام قرآن است و اینکه مردم هر چه بیشتر به قرآن و احکام آن عمل کنند به همان اندازه نیز مملکتشان به پیشرفت و ترقی نائل خواهد شد و عقیده دارد اگر مردم بر اساس قرآن عمل می‌کردند و به قانون عدالت و مساوات که در قرآن نیز وجود دارد، پایبند بودند، این چنین تحت تسلط بیگانگان و استعمار واقع نمی‌شدند و مساواتی که در قانون اساسی مشروطه به آن اشاره شده، همان مساواتی است که در قرآن نیز نقل آن آمده است. او تحقق این مساوات را مبنای ترقی و اساس افتخار و سربلندی هر ملت و مملکتی می‌داند و تصور از آن را زمینه سلطه گران و اجانب بیان می‌کند.

۳- تبیین خوانش سید جمال الدین واعظ اصفهانی در روزنامه الجمال

از محرم الحرام سال ۱۳۲۵ ق که دور جدیدی از گفتارهای سید جمال، در روزنامه الجمال منتشر شد، تقریباً شش ماه از صدور فرمان مشروطه و استقرار نظام جدید می‌گذشت. باین حال نه تنها مسائل مهم دوره پیشین حل نشده باقی ماند بلکه مسائل تازه‌تری نیز پیش روی جامعه قرار گرفت. به گونه‌ای که از همان اوان صدور فرمان مشروطه توسط مظفر الدین شاه قاجار در جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ق و تشکیل مجلس شورای ملی به نیت «اصلاحات لازمه و تهیه اسباب و لوازم امنیت و رفاهیت قاطبه اهالی» تنش‌های شدیدی میان هواخواهان امر اصلاح و مخالفان آن نمایان

۱. همان، گفتار «بقیه مواعظ آقای آقا سید جمال الدین در فوائد عدل و مضار ظلم از نمره ۳»، الجمال، شماره چهارم ۲۰ صفر المظفر ۱۳۲۵، ص ۴۷.

۲. الجمال، شماره دوم، ص ۳۲.

شد.^۱ این اختلاف نظرها سبب شد تا از یک سو همچنان مناسبات پیشین در جامعه حاکم باقی بماند و حکام و عمال حکومتی در ایالات و ولایات خودسرانه بر اهالی ظلم روا دارند و از سوی دیگر تلاش‌ها برای رفع خرابی‌های کشور، اصلاح رویه‌های مالی و سروسامان دادن به اوضاع اقتصادی نتایج مثبتی به همراه نداشته باشد.^۲ در نتیجه بر هرج و مرج‌های دوره پیشین افزوده شد. کشور در هرج و مرج سیاسی قرار گرفت و اوضاع اقتصادی نیز بحرانی و خرابانه خالی اجازه هیچ‌گونه اصلاحی را نمی‌داد. از این رو بی‌نظمی در عرصه سیاسی و اقتصادی و ناامنی حاصل از آن موجب بروز اعتراضات گسترده‌ی مردمی در بسیاری از شهرها شد. علاوه بر این تدارک قرارداد ۱۹۰۷ انگلیس و روسیه علیه کشور در کنار تجاوز نیروهای ترک به بخشی از مناطق کشور امید به تحقق اصلاحات را کم رنگ کرد. در نتیجه در همه‌ی عرصه‌ها نا به سامانی‌ها و بحران‌ها صورت خشن‌تری از خود را بر روی زندگی مردم آوار کرد.^۳

این ناتوانی متصدیان نظام مشروطه در پاسخگویی به مشکلات و حل معضلات جامعه که مشخصه ویژه دوره پسا مشروطه اول است، عمدتاً ناشی از این تنش‌های سیاسی فکری موافقان و مخالفان مشروطه بود. محمدعلی شاه و حامیانش از همان اوان پذیرش مشروطه در شکل‌های مختلفی نظیر عدم دعوت از نمایندگان مجلس به مراسم تاج‌گذاری،^۴ اختلال در امر توشیح نظامنامه اساسی، ممانعت از برگزاری انتخابات در ایالات و ولایات،^۵ فشار بر رعایا در ایالات و ولایات از سوی حکام انتصابی، تحرکات برنامه‌ریزی شده علیه مشروطه خواهان و انجمن‌های ایالتی و ولایتی، عدم پاسخگویی و بی‌اعتنایی وزرای منصوب شاه و مسئولین وقت مالیه یعنی مسیو نوز و بلژیکی‌ها به مجلس، همراهی و حمایت از رفتار شیخ فضل‌الله،

۱. محمد بن علی ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، بخش اول، چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷، ص ۵۵۳.

۲. ادوارد براون، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهری قزوینی، چاپ اول، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۶، ص ۱۳۱.

۳. همان، صص ۱۴۵-۱۴۴.

۴. کسروی، ص ۲۰۱.

۵. محمد بن علی ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، بخش دوم، چاپ پنجم، تهران، نشر پیکان، ۱۳۷۷، صص ۲۴ و ۳۸-۴۱.

تأخیر در توشیح متمم قانون اساسی و غیره مانع از بهبود اوضاع شد.^۱ اگرچه در پی ترور میرزاعلی اصغر خان امین سلطان اتابک اعظم به دست عباس آقا صراف تبریزی از انجمن فدائیان در ماه رجب ۱۳۲۵، تنش‌های فکری و سیاسی موافقان و مخالفان مشروطه فروکش کرده بود؛ متمم قانون اساسی در ماه شعبان تصویب و شاه در ماه شوال دوباره به مجلس و مشروطه اظهار وفاداری نمود اما همچنان موانع حل مسائل اقتصادی و اجتماعی پا بر جا بود. به‌گونه‌ای که طرح بانک ملی که در راستای سروسامان دادن به اوضاع مالی و تأمین سرمایه اصلاح اقتصادی ارائه شده بود، محقق نشد و برنامه‌های دیگر نظیر دریافت وام مشترک از روسیه و انگلیس و یا آلمان با شکست مواجه شد. در نتیجه همچنان وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور بحرانی و آشوب و ناآرامی در شهرهایی نظیر اصفهان، شیراز، تبریز، کرمانشاه و غیره ادامه داشت.^۲

بنا به این زمینه تاریخی چگونگی برون رفت از وضع موجود و نیل به سوی توسعه و پیشرفت مهم‌ترین مسئله فضای زبانی و گفتمانی آن دوره شد. سید جمال‌الدین نیز به‌عنوان یکی از کارگزاران آن دوره، در واکنش به کنش‌های مذکور و از خلال تشریح پروژه اصلاح خوانش گفته شده خود را ارائه کرد. به‌عبارت‌دیگر زمینه تاریخی گفته شده و کنش‌های زبانی و گفتمانی حول محور برون رفت از وضع موجود و اصلاح خرابی‌های کشور موجب شد تا سید به‌عنوان یکی از کارگزاران وقت به این زمینه و کنش‌ها پاسخ دهد. او در واکنش به زمینه سیاسی اجتماعی وقت تنها علاج جامعه و تنها راه برون رفت از وضع تحمیل شده بر جامعه را در انجام پروژه اصلاحات دید؛ اما وقتی که با موانع پیش روی پروژه اصلاحات نظیر تنش‌های سیاسی دربار و مجلس، فقر مردم و ناتوانی آن‌ها در کمک به پروژه، عدم همراهی صاحبان ثروت، درباریان، تجار و مالکین در کنار بی‌اعتمادی و آشوب‌زدگی کشور برخورد کرد، منفعل‌نماند و از طریق سخنرانی‌های خود سعی کرد تا بر وضع موجود تأثیرگذار و جامعه را به سمت بهبود اوضاع پیش برد. برای نمونه در این فضای زبانی و

۱. کسروی، صص ۲۰۷-۲۰۶.

۲. براون، ص ۱۴۵.

گفتمانی معاصر سید جمال‌الدین تنش مشروعه خواهی و مشروطه‌خواهی تشدید شده بود و گفتمان مشروعه خواهی برخی از اصول قانون اساسی مشروطه را مغایر با دین اسلام اعلام کرده و بیش از هر زمانی صدایش علیه مشروطه بلند شده بود.^۱ لذا سید جمال در واکنش به این نزاع گفتمانی، خوانش خود را در جهت پیوند صور مدرنیته با تعالیم اسلامی ارائه کرد و مفاهیم برگرفته از غرب را جامه اسلامی پوشاند تا از مانع سازی مشروعه خواهان جلوگیری کند.

باین حال شرایط اقتصادی اجتماعی و تشدید تنش‌های سیاسی فکری وقت مانع از گسترش خوانش میانه رو سید جمال شد. در این فاصله حوادثی نظیر برهم خوردن نظم سیاسی و اجتماعی با درگیری و صف‌آرایی موافقان و مخالفان مشروطه در میدان توپخانه و مسجد سپه‌سالار و در ادامه توسل طرفداران هر دو گفتمان به خشونت نظیر قتل ارباب فریدون زرتشتی و بمب‌افکنی به کالسکه شاه، ورود سربازان ترک به ساوجبلاغ و ناتوانی فرمانفرما از مقابله با آن‌ها، شکایت وزیر مختار روسیه از عملکرد انجمن‌های ملی و تهدید به دخالت در امور داخلی کشور، تشدید ناامنی و بروز اعتراضات مردمی در شهرهای مختلف از جمله عوامل تأثیرگذار بر عدم گسترش خوانش سید جمال بود.^۲ بدین ترتیب علیرغم همه تلاشی که سید جمال‌الدین داشت در نهایت تحقق این طرح و خوانش متأثر از وضعیت سیاسی اجتماعی آن دوره ناتمام ماند. به گونه‌ای که دوباره تنش موافقان و مخالفان مشروطه تشدید شد و شاه برای تدارک قشون و شروع ماجرابی دیگر به باغ شاه رفت. مدتی بعد نیز طنز نوشته دهخدا در روزنامه صوراسرافیل به واقعیت مبدل شد و سید جمال‌الدین جان بر سر آرمان‌های خویش گذاشت:

«... دولت ما هم می‌خواهد یواشکی این قشون‌ها را به اسم خراب کردن مجلس و گرفتن سید جمال و ملک و هر چه مشروطه‌طلب یعنی مفسد هست جمع کند...»^۳

نتیجه‌گیری

۱. کسروی، صص ۳۱۵-۳۱۶ و ۳۲۶؛ براون، ص ۱۵۱.

۲. همان، صص ۱۸۹-۱۹۲.

۳. صوراسرافیل، «چرند و پزند»، شماره ۳۲، ۱۳۲۶ ق، ص ۸.

سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی یک تحلیل کلی از جامعه ایران داشته است. در این تحلیل، جامعه گرفتار معضلات و مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ارزیابی و عامل اصلی این گرفتاری‌ها نیز استبداد جسمانی و روحانی / سیاسی و دینی و ظلم و ستم ناشی از آن معرفی شده است. از همین رو به زعم او استبداد مهم‌ترین مسئله جامعه بود که خود محصول غفلت‌ورزی مسلمانان از آموزه‌های اصیل اسلامی بوده است. در نتیجه، در مواجهه با مسئله استبداد جسمانی و روحانی دغدغه‌رهایی جامعه را داشت. به همین منظور او بازگشت به آموزه‌های اصیل قرآنی و اسلامی را به عنوان راهکار برون رفت مطرح کرده است. این بازگشت از دریچه مدرنیته تبیین و تفسیر شد. به عبارتی سید متأثر از اندیشه‌های مدرن غربی، در عرصه سیاسی از نظام مشروطه به عنوان یک عنصر مطلوب غربی در مقابل نظام استبدادی توجه نمود و به آن صبغه دینی و اسلامی داده است. همچنین در عرصه اجتماعی و اقتصادی و نیز توصیه‌هایی متأثر از اندیشه غربی را برای رفع نابرابری‌های تحمیل شده بر جامعه مطرح کرده است و به آن جامعه مذهبی پوشاند؛ بنابراین تأثیرپذیری واعظ اصفهانی از اندیشه‌های دوره مدرنیته غرب مشهود است. در این زمینه او تلاش خود را معطوف به برقراری پیوند میان صور مدرنیته و دین اسلام کرده و از خلال مفاهیم و صور مطلوب مدرنیته به تفسیر آموزه‌های قرآنی و دینی پرداخته است. در این خوانش او به این نتیجه‌گیری کلی نیز رسیده است که همه آنچه مدرنیته به عنوان عناصر مطلوب به دنیا عرضه داشته است در متن قرآن و احکام اصیل اسلامی وجود دارد. علاوه بر این، واعظ اصفهانی در خوانش خود، با نفی استبداد دینی و سیاسی زمانه خود که به زعم وی عامل بدبختی جامعه شده بود به تبیین و تبلیغ نظام مشروطه در شکل دموکراسی پارلمانی می‌پردازد و بر آزادی افراد در برابر استبداد تأکید و حق افراد در تعیین سرنوشت خود را برجسته می‌کند. همچنین تأکید و اصرار واعظ بر عدالت، مساوات و برابری نیز مشهود است. به گونه‌ای که در اندیشه وی تحقق عدالت و برابری مقدمه لازم برای آبادانی کشور فرض شده است. او مساوات را معادل برابری در فارسی و عدل در قرآن دانسته و آن را ناظر بر تساوی آحاد مردم در برابر حدود خداوند و قانون تعریف کرده است؛

بنابراین خوانش سید از مؤلفه‌های اصلی دوره زیسته‌اش متأثر از اقتضائات زمانه و کنش‌های رخ داده در آن دوره است. تشدید تنش‌های سیاسی و صف‌آرایی موافقان و مخالفان مشروطه، نزاع‌های گفتمانی مشروعه‌خواهی و مشروطه‌خواهی از جمله کنش‌هایی هستند که مواضع و آراء سید جمال‌الدین به‌مثابه واکنش یا پاسخی به آن‌ها بوده است.

منابع و مأخذ

- براون، ادوارد (۱۳۷۶)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه مه‌ری قزوینی، چاپ اول، تهران، انتشارات کویر.
- کسروی، احمد (۱۳۹۰)، *تاریخ مشروطه ایران*، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- خاطرات سیاسی و تاریخی (۱۳۶۲)، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی و انتشارات ایران و اسلام.
- رسائل قاجاری؛ کتاب پنجم رؤیای صادقه- لباس التقوی (۱۳۶۳)، به کوشش، صادق سجادی و هما رضوانی، چاپ اول، تهران، نشر تاریخ ایران.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد بن علی (۱۳۸۷)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، بخش اول، چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد بن علی (۱۳۷۷)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، بخش دوم، چاپ پنجم، تهران، نشر پیکان.
- یادنامه سید محمدعلی جمالزاده (۱۳۷۷)، به کوشش علی‌دهباشی، تهران، نشر ثالث.
- یزدانی، سهراب (۱۳۹۱)، *اجتماعیون عامیون*، چاپ اول، تهران: نشر نی.

نشریات:

- الجمال، ویژه‌نامه فصلنامه تخصصی بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، به مدیر مسئولی عبدالمجید معادیخواه و سردبیری ابوالفضل شکوری، تحقیق و تصحیح ابوالفضل شکوری، تهران، انتشارات یاد، سال بیست و یکم، شماره ۷۹، بهار ۱۳۸۴.
- الجمال (۱۳۲۵)، گفتار «منبر شب ۱۵ شهر محرم الحرام»، شماره اول.
- الجمال (۱۳۲۵)، گفتار «بقیه مساوات [۲]»، شماره دوم.
- الجمال (۱۳۲۵)، گفتار «بقیه مساوات [۳]»، شماره سوم.

- الجمال (۱۳۲۵)، گفتار «بقیه مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در فوائد عدل و مضار ظلم از نمره ۳»، شماره چهارم.
- الجمال (۱۳۲۵)، گفتار «مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی حریت»، شماره ششم.
- الجمال (۱۳۲۵)، گفتار «مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی آزادی»، شماره هفتم.
- الجمال (۱۳۲۵)، گفتار «مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی آزادی»، شماره نهم.
- الجمال (۱۳۲۵)، گفتار «بقیه مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی آزادی کلام و آزادی قلم»، شماره دهم.
- الجمال (۱۳۲۵)، گفتار «مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی آزادی»، شماره یازده.
- الجمال (۱۳۲۵)، گفتار «بقیه از امتیاز فضلی از مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین»، شماره ۱۲.
- الجمال (۱۳۲۵)، گفتار «بقیه موعظه آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی حقوق»، شماره ۱۷.
- الجمال (۱۳۲۵)، گفتار «بقیه مواعظ جناب... آقای آقا سید جمال‌الدین واعظ در باب حقوق»، شماره ۱۸.
- الجمال (۱۳۲۵)، گفتار «بقیه مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی حقوق»، شماره ۲۳.
- الجمال (۱۳۲۵)، گفتار «بقیه مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین از شماره ۲۳»، شماره ۲۴.
- الجمال (۱۳۲۵)، گفتار «بقیه مواعظ جناب آقا سید جمال‌الدین درباره قرآن»، شماره ۲۶.
- الجمال (۱۳۲۶)، گفتار «بقیه مواعظ آقای آقا سید جمال‌الدین در معنی حقوق»، شماره ۳۲.
- الجمال (۱۳۲۶)، گفتار «بقیه مواعظ جناب آقا سید جمال‌الدین درباره آثار قهری استبداد و ظلم»، شماره ۳۵.
- الجمال (۱۳۲۶)، گفتار «مواعظ آقا سید جمال‌الدین در مسجد شاه»، شماره ۳۶.
- ارمغان (۱۳۵۰ ش)، مقاله «سید جمال‌الدین اصفهانی»، علی جواهر کلام، دوره چهارم، شماره ۱.
- صوراسرافیل (۱۳۲۶)، «چرند و پرند»، شماره ۳۲.
- خاطرات وحید (۱۳۵۲ ش)، مقاله «محمدعلی شاه قاجار و سید جمال‌الدین واعظ...»، سید محمدعلی جمالزاده، شماره ۲۸.